



لاضرر ولاضرار فی الاسلام

یکی از قواعد مهم و مشهور در فقه اسلامی قاعده نفی ضرر است که متخذ از اخبار و احادیث وارده می باشد و در احکام اجتماعی فروع بسیاری بر آن مترتب است و در ابواب مختلف فقه اعم از عبادات و معاملات مستند فتاوی فقهای عظام می باشد . چون در شریعت اسلام آزادی فردی در اعمال حق تا سر حد عدم تجاوز بحقوق دیگران محدود است و بدستاورز اعمال حق هر نوع مزاحمتی ممنوع و مردود می باشد این معنی تحت قاعده کلی لاضرر و لاضرار فی الاسلام بیان شده و بطوریکه اشاره شد این قاعده دستور پیغمبر اکرم است در حکایت سمره بن جندب که گمان می رود اشهر روایات و شاید اولین دستوری است که از طرف شارع مقدس اسلام صلی اله علیه واله صادر گردیده ولی مستند این قاعده منحصر باین حدیث

نیست بلکه روایات بسیاری در موارد مختلف آمده که در کتب مفصله فقه اسلامی ذکر شده حدیث سمرة بن جندب بیش از سایر روایات مورد بحث و تحقیق قرار گرفته است .

این روایت در وسائل الشیعه در باب دوازدهم کتاب احياء اموات و نیز در کافی و من لایحضره الفقیه در باب حکم حریم آمده است.

در باب میراث اهل ملل در باب شفعه و امثال این موارد روایات دیگری هم نقل شده و غالباً پس از بیان حکم مسئله سائل از طرف ائمه هدی بجملة لاضرر و لاضرار استناد شده التها به در بعضی روایات باضافه فی الاسلام و در برخی علی مؤمن میباشد و چون نقل تمام روایات از حوصله این سلسله مقالات خارج است و از طرفی حکایت سمرة متضمن نکات اخلاقی هم میباشد بنقل آن از کتاب وسائل الشیعه میپردازیم.

سمرة بن جندب اهل مدینه بود که مشرف بدین اسلام شده بود ولی هنوز خوی جاهلیت و لجاج و خودخواهی ناشی از آن را واجد بود و مفهوم حریت را در اسلام درک نکرده بود و در مقابل اعمال حق خود آسایش و منافع دیگران را مورد نظر قرار نمیداد. سمرة در خانه مرد انصاری درخت خرمائی داشت و بدستاورز سرکشی بدرخت مزبور گاه و بیگاه بدون اجازه صاحب خانه مزاحم او و عائله اش میشد و چون بتذکرات صاحب خانه ترتیب اثر نداد مرد انصاری به پیغمبر اکرم شکایت کرد . سمرة به محضر رسول خدا احضار شد و بنی اکرم باو توصیه فرمود که هر وقت قصد سرکشی بدرخت خرمائی خود را دارد قبلاً از صاحب خانه کسب اجازه کند. سمرة گفت برای اعمال حق مالکیت خودم را بی نیاز از اجازه مرد انصاری میدانم و حاضر نیستم از او کسب اجازه کنم . حضرت فرمودند قیمت درخت خرمائی تو را میدهم تا مسلمانانی آسوده شود بنا بر این درخت را بمن بفروش چون امتناع کرد پیغمبر اکرم موافقت فرمود نخلی در جای دیگر باو بدهد و با مخالفت او بر تعداد درختها مرتباً اضافه شد تا بده

درخت رسید و باز با مخالفت سمره مواجه گردید. حضرت فرمود علاوه بر درخت‌ها اجر اخروی نیز برای تو تضمین میکنم و سمره بهیچوجه تسلیم نشد رسول خدا بر آشفته و فرمود: انت رجل مضار (تو مرد ضرر زنده‌ای هستی) و بلافاصله شاکی را مخاطب ساخت و فرمود: درخت خرماي سمره را از ریشه بکن و جلویش بینداز و در مقام انشاء حکم فرمود. **لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام**. پس این قاعده و حکم کلی مالک عمل در شریعت اسلام قرار گرفت و به موجب این دستور هیچ کس حق ندارد عامل ضرر و زیان بغیر ولو بعنوان اعمال حق خود.

استعمال حق در شریعت اسلام تا آنجا جایز است که با حق غیر تعارض نداشته باشد. برای اینکه ضرر منفی در اسلام روشن شود به تشریح و بیان این قاعده کلی میپردازیم.

کلمه ضرر دارای يك مفهوم عرفی است که معنی آن واضح است گرچه بعضی در مقام تعریف بر آمده و گفته‌اند ضرر امر وجودی است و ضد نفع می‌باشد و برخی دیگر اظهار داشته‌اند: تقابل بین نفع و ضرر از قبیل تقابل عدم و ملکه است ولی هر يك از تعبیرات قابل خدشه و اشکال می‌باشد. بنا بر این کلمه ضرر همان مفهوم عرفی است که معنی و مفهوم آن در عرف ما واضح است و آن بر دو قسم می‌باشد: مادی، معنوی ضرر معنوی بضرری اطلاق میشود که بموقعیت اجتماعی یا علمی شخصی لطمه وارد شود ضرر مادی آن است که شخص از مایمالمک و اموال شخصی خود نتواند استفاده مشروع بنماید.

ضرر منفی در اسلام باختلاف موارد و امکانه و ازمنه متفاوت است و تشخیص آنهم با عرف می‌باشد.

ضرر از لحاظ معنی عرفی مانند کلمه ضرر است ضرر مصدر باب مفاعله است در اینصورت چنانچه معنی مفاعله را صدور عمل از طرفین بدانیم

معنی آن نهی از زیان بغير است در مقابل ضرر وارده از طرف و چنانچه مراد از اضرار تکرار صدور عمل از فاعل باشد اعم از اینکه فاعل یکنفر یا دو نفر باشند معنی آن اضرار در اضرار است چنانچه ظاهر از روایت آنستکه معنی دوم مراد باشد چنانچه پیغمبر صلی الله و آله خطاب بسمره فرمودند انت رجل مصاد پر - واضح است که معنی آن اضرار ورزیدن سمره است بضرر انصاری باقی مینماید در جمله قاعده کلمه (لا) که تردیدی نیست در اینکه بمعنی حقیقی خود استعمال شده و نفی جنس مینماید بنجو حقیقت یعنی جنس ضرر و ضرار در شریعت اسلام منقی است مثل اینکه گفته میشود (لا رجل فی الدار) یعنی جنس مرد در خانه نیست پس از بیان تشریح مفردات جمله لاضرر و ضرار فی الاسلام اینک بشرح قاعده میپردازیم بنابر آنچه محقق بجنوردی دامطله در شرح قاعده مزبور بیان فرموده فقها چهار قول در شرح قاعده ذکر کردند که پیروی از محقق مزبور چهار قول مشهور را بیان و پس از آن واضح اقوال بیان میشود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقاله جامع علوم انسانی

